

رابطه بین ویژگی‌های شخصیت و باورهای فراشناختی در نوجوانان: نقش تفاوت‌های جنسیتی

مریم صادقی فرد^۱

نسرین فخاریان^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیت و باورهای فراشناختی با در نظر گرفتن تفاوت‌های جنسیتی در نوجوانان انجام شد. روش پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر ۱۲ تا ۱۸ ساله حاضر در مدارس استان تهران در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ بود. حجم نمونه شامل ۳۰۰ نفر از نوجوانان دانش‌آموز بود که به صورت دو گروه (با در نظر گرفتن جنسیت) دانش‌آموز دختر شامل ۱۵۰ نفر و دانش‌آموز پسر شامل ۱۵۰ نفر و به روش نمونه‌گیری در دسترس و با توجه به ملاک‌های ورود و خروج به پژوهش انتخاب شدند. این دانش‌آموزان به ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیت کودکان و نوجوانان (باربارانلی و همکاران، ۲۰۰۳) و پرسشنامه باورهای فراشناختی (ولز و همکاران، ۲۰۰۳) پاسخ دادند. برای تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده، از روش آماری همبستگی استفاده شد. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن بود که به طور کلی بین ویژگی‌های شخصیتی نوجوانان پسر و نیز دختر و باورهای فراشناختی آن‌ها رابطه وجود دارد. هم‌چنین، رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و باورهای فراشناختی در دختران و پسران متفاوت است. با توجه به اهمیت باورهای فراشناختی به خصوص در دوران نوجوانی که دوره حساسی می‌باشد، شناخت و بررسی عواملی که می‌تواند بر این روابط اثر گذارد و یکی از آن‌ها ویژگی‌های شخصیت است خود می‌تواند سبب بهبود و تغییر ویژگی‌های منفی در شخصیت نوجوان گردد، می‌تواند به ارائه راهبردهای درمانی منجر شود.

واژه‌گان کلیدی: تفاوت‌های جنسیتی، باورهای فراشناختی، ویژگی‌های شخصیت، نوجوانان.

۱- استادیار گروه مشاوره و روانشناسی دانشگاه هرمزگان، هرمزگان، ایران

۲- کارشناسی ارشد مشاوره توانبخشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

نوجوانی دوره ایجاد تغییرات جسمی، شناختی، اجتماعی-عاطفی، محیطی و یک دوره پویا و هیجانی، برای افراد است که شامل افزایش توانایی در تفکر، شروع بلوغ و تغییر در روابط با خانواده، دوستان، مدرسه و اجتماع، انتظارات همسالان، خانواده و جامعه، نقش-های خانوادگی، مسئولیت‌ها، تلاش در جهت کسب نقش‌های عاطفی و اجتماعی جدید، مدیریت تکالیف زندگی بدون وابستگی بیش از حد به افراد دیگر و ایجاد جهت‌گیری جدیدی برای آینده به عنوان بزرگسالان مستقل و مولد است (کجیتسیاسی^۱، ۲۰۱۳؛ بالtes و اسچی^۲، ۲۰۱۳). عوامل مختلفی از جمله هیجان‌ات و باورهای فراشناختی، شیوه تصمیم-گیری نوجوانان در امور تحصیلی، شغلی و هم‌چنین میزان سلامت آن‌ها در حیطه فردی و اجتماعی را مشخص می‌نماید (هولمیل^۳، ۲۰۰۵).

رویکرد فراشناختی بر این باور است که افراد به این دلیل در دام ناراحتی هیجانی گرفتار می‌شوند که فراشناخت‌های آن‌ها به الگوی خاصی از پاسخ دهی به تجربه‌های درونی منجر می‌شود و این امر موجب تداوم هیجان‌های منفی و تقویت باورهای منفی می‌گردد (مقتدائی، صالحی، سلامت، محمدیان و هونجانی، ۱۳۹۱). مدل فراشناختی یک چارچوب فراشناختی کلی در مفهوم سازی آسیب‌پذیری، ایجاد و حفظ اختلالات روانی ارائه می‌دهد. این مدل پیشنهاد می‌کند که اختلالات روانی (اختلال خلقی، اختلال وابستگی به مواد و غیره) از طریق الگوهای پایدار تفکر (نگرانی یا نشخوار فکری)، راهبردهای توجهی مرتبط با نظارت و تهدید، اجتناب و سرکوب فکر ایجاد و حفظ می‌شوند و باورهای فراشناختی مثبت (سودمند بودن نگرانی) و باورهای فراشناختی منفی (مضر بودن نگرانی) به تشکیل یک نشانگان شناختی-توجهی می‌انجامد که این نشانگان باعث شکست در اصلاح باورهای ناسازگار با خود و افزایش دسترسی اطلاعات منفی درباره خود می‌گردد. به عبارتی

¹ Kagitcibasi

² Baltes & Schaie

³ Holmila

نشانگان شناختی - توجهی شامل یک الگوی تفکر مداوم و پایدار است که شامل نگرانی یا نشخوار فکری، توجه متمرکز بر تهدید و رفتارهای مقابله‌ای غیرمفید از جمله وابستگی به مواد، تلاش برای سرکوب افکار، تجزیه و تحلیل کردن تجارب برای یافتن راه حل، یا تلاش برای پیش‌بینی اتفاقات در آینده می‌گردد (ولز، ۲۰۰۹؛ اسپدا^۱، زاندورت^۲ و ولز، ۲۰۰۷). باورهای فراشناختی^۳ به ساختارهای روان‌شناختی، دانش، وقایع و فرایندهایی اشاره دارد که در کنترل، اصلاح و تفسیر تفکر مشارکت دارد (ولز^۴ و کارترایت^۵؛ هاتن^۶، ۲۰۰۳). از جمله عواملی که بر باورهای فراشناختی تأثیر دارد، ویژگی‌های شخصیت است (صالحی، موسوی، ساریچلو و قافله باشی، ۱۳۹۴).

ساختار کلی شخصیت شامل پنج عامل کلی است که به پنج عامل بزرگ اشاره دارد (کارور و شیر، ۱۹۹۶؛ هیوی و ویسرز، ۱۹۹۷). این عوامل عبارتند از: برونگرایی، سازش یافتگی و وظیفه‌شناسی، روان رنجورخویی، عقلانی‌گشودگی (باربارانلی، کاپرارا رباسکا و پاستورلی^۷، ۲۰۰۳؛ باربارانلی و همکاران، ۲۰۰۸). تحقیقات نشان داده است که پنج عامل مذکور در نوجوانان نیز وجود دارد (کوکینوس و مارکوس^۸، ۲۰۱۵). پژوهش‌ها بر روی صفات شخصیت نشان داد که افراد روان‌رنجور تمایل عمومی به تجربه عواطف منفی از جمله ترس، اندوه، احساس گناه، ناسازگاری، عدم ثبات عاطفی دارند و به شکل فراگیر احساس خشم، برانگیختگی و سردرگمی را نسبت به ارتباط با دیگران تجربه می‌کنند که این می‌تواند باعث راهبردهای ناسازگارانه در افرادی که با این افراد در تعامل هستند، شود (کوکینوس و مارکوس، ۲۰۱۵). افرادی که دارای صفت شخصیتی توافق‌جویی هستند، در روابط بین فردی، رفتارهای تعاونی و هماهنگی بیشتری با دیگران دارند (باربارانلی و

1. Spada

2. Zandroot

3. meta-cognitive beliefs

4. Wells

5. Cartwright

6. Hatton

7. Rabasca & Pastorelli.

8. Kokkinos & Markos

همکاران، ۲۰۰۸؛ هاستینگ و انیل، ۲۰۰۹). هم‌چنین برخی از بررسی‌ها نشان داده‌اند که سازگاری و وظیفه‌شناسی احتمال تجربه عواطف مثبت در موقعیت‌های اجتماعی و پیشرفت را در روابط بین فردی افزایش می‌دهد (گوتیرز، جیمنز، هرناندز و پونته^۱، ۲۰۰۵).

از طرف دیگر از جمله عواملی دیگری که بر باورهای فراشناختی و خصوصیات شخصیتی تأثیر می‌گذارد، جنسیت است (دلگادو، هوگان، اینگلز، هیدالگو، گارسیا-فرناندز و مارتینز-مونتیگودو^۲، ۲۰۱۵؛ گارسیا-لوپز، اینگلز و گارسیا-فرناندز، ۲۰۰۸؛ تقی‌لو، شکری، طولابی و تقوایی‌نیا، ۱۳۹۰). نتایج مطالعه (تقی‌لو و همکاران، ۱۳۹۰) نقش تفاوت‌های جنسیتی را در مقیاس کلی روابط بین فردی و زیرمقیاس‌های چندگانه آن که شامل جرأت‌ورزی، روابط با غیرهمجنس، صحبت کردن در جمع، روابط خانوادگی و دوستی‌های نزدیک می‌باشد، آشکار ساخت. این پژوهشگران نشان دادند که نمره کلی مشکلات بین فردی در دختران بیشتر از پسران است. علاوه بر این نمرات مشکلات بین فردی دختران در زیرمقیاس‌های مشکلات بین فردی بیشتر از پسران است. هم‌چنین در یک مطالعه دیگر که با هدف بررسی نقش تفاوت‌های جنسیتی و سنی در موقعیت‌های برانگیزاننده اضطراب اجتماعی در گروهی از نوجوانان دختر و پسر اسپانیایی انجام شد، نتایج نشان دادند که در اضطراب اجتماعی نمره دختران به طور معناداری بیشتر از پسران است. به علاوه در زیرمقیاس جرأت‌ورزی، رابطه با غیرهمجنس و صحبت در جمع، عامل-های جنس و سن نوجوانان کنش تقابلی دارند، یعنی الگوی تحول روابط بین فردی در دوره‌های سنی مختلف و در گروه‌های جنسی متفاوت است (گارسیا-لوپز و همکاران، ۲۰۰۸). پژوهش‌ها در فرهنگ‌های مختلف در مورد روابط بین فردی نوجوانان اسپانیا (زو، لو، اینگلز، هیدالگو و لاگرکا^۳، ۲۰۰۶) نشان‌دهنده آن است که این مفهوم به الگوهای فرهنگی غالب در جوامع مختلف درباره تفاوت‌های جنسیتی وابسته است. نتایج پژوهش-

1. Gutierrez, Jimenez, Hernandez & Puente

2. Delgado, Hugon, Ingles, Hidalgo, Garcia-Fernandez & Martinez-Monteaegudo

3. Zhou, Li, Xo, LaGreca

های دلگادو و همکاران (۲۰۱۵) نشان داد که نوجوانان پسر به صورت کلی در روابط بین فردی که نیازمند جرأت‌ورزی است بهتر از دختران هستند و دختران در روابط احساسی و خانوادگی نمره بالاتری نسبت به پسران کسب کردند.

با این حال، این نتایج نشان می‌دهند که بررسی ویژگی‌های شخصیت بیشتر در سطح افراد بزرگسال و یا کودکان و نوجوانان در معرض خطر زیاد مانند کودکان مبتلا به اختلالات رفتاری، بیش‌فعالی، اضطراب اجتماعی، نوجوانان تک والدینی و ... بوده است و کمتر پژوهشی به بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیت با باورهای فراشناختی با در نظر گرفتن تفاوت‌های جنسیتی پرداخته و مطالعات انجام شده بیشتر درباره جمعیت عمومی و نه اقشاری خاص از جامعه به‌ویژه نوجوانان بوده است. هم‌چنین با توجه به اهمیت باورهای فراشناختی با در نظر گرفتن ویژگی‌های شخصیتی در پیش‌بینی روابط اجتماعی و کیفیت زندگی تحصیلی (ولس و همکاران، ۲۰۰۱)، تجربه‌های هیجانی منفی (واگن و لانسولوتا، ۱۹۹۰) و آسیب‌شناسی اجتماعی (کلارک و کریسکی، ۱۹۹۶) در نوجوانان، وجود تحقیقات بنیادین که مشکلات مربوط به باورهای فراشناختی نوجوانان را هدف قرار دهد، می‌تواند راه گسترش این توانایی را به صورت بهنجار در نوجوانان هموار سازد. به همین منظور مطالعه حاضر با هدف بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیت و باورهای فراشناختی با نظر گرفتن تفاوت‌های جنسیتی در نوجوانان انجام شد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر ۱۲ تا ۱۸ ساله حاضر در مدارس استان تهران در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ تشکیل می‌دادند. حجم نمونه شامل ۳۰۰ دانش‌آموز دختر و پسر ۱۲ تا ۱۸ ساله بود که به صورت دو گروه (با در نظر گرفتن جنسیت) دانش‌آموز دختر شامل ۱۵۰ نفر و

1. Vaughn & Lancelotta

2. Clark & Kirisci

دانش‌آموز پسر شامل ۱۵۰ نفر و به روش نمونه‌گیری در دسترس و با توجه به ملاک‌های ورود و خروج به پژوهش انتخاب شدند. ملاک‌های ورود شرکت‌کنندگان به پژوهش شامل: سن دانش‌آموز بین ۱۲ تا ۱۸ سال باشد، مراقبین آن‌ها (یعنی پدر و مادر) هر دو در قید حیات باشند و عدم وجود اختلالات روانشناختی و ملاک‌های خروج شامل: سن دانش‌آموز کمتر از ۱۲ سال باشد، دارا بودن اختلالات روانشناختی (با پرسش از مشاور مدرسه در خصوص وضعیت دانش‌آموز)، مراقب آن‌ها (پدر یا مادر) در قید حیات نباشند و شخص دیگری از آن‌ها مراقبت کند. بدین منظور ابتدا از بین ۱۱۰ مدرسه دخترانه و پسرانه مناطق ۱ و ۲ و ۶ (این مناطق به صورت در دسترس انتخاب شدند) شهر تهران از هر منطقه ۶ مدرسه و در مجموع ۱۸ مدرسه نیز به صورت در دسترس انتخاب شدند و در مرحله دوم به طور تصادفی از هر مدرسه یک کلاس و تعداد ۳۰۷ دانش‌آموز جهت نمونه‌گیری انتخاب شدند که تعداد ۷ نفر به دلیل ناقص پر کردن پرسشنامه از پژوهش حذف شدند و در مجموعه ۳۰۰ نفر نمونه پژوهش را تشکیل دادند. میانگین سنی این تعداد برای دختران ۱۴/۴۵ و برای پسران ۱۴/۶۸ بودند. ۳۵ درصد این دانش‌آموزان جز فرزندان اول خانواده بودند، ۱۸/۲۰ درصد جز فرزندان میانی و ۴۶/۸ درصد جز فرزندان آخر خانواده بودند. هم‌چنین اطلاعات جمعیت‌شناختی به دست آمده از نمونه‌ها نشان داد که از نظر وضعیت اقتصادی ۵۶ درصد شرکت‌کنندگان در سطح اقتصادی خوب جامعه قرار داشتند، ۱۳/۷ درصد پایین‌تر از حد متوسط (ضعیف) قرار داشتند و ۳۰/۳ درصد خود را از نظر اقتصادی در حد متوسط بیان کردند. هم‌چنین از نظر تحصیلات، ۱۳/۱ درصد پدران و ۱۷/۲ درصد مادران دیپلم، ۵/۴ درصد پدران و ۱۰/۶ درصد مادران فوق دیپلم، ۲۲ درصد پدران و ۱۵ درصد مادران لیسانس، ۶/۸ درصد پدران و ۳/۹ درصد مادران فوق لیسانس و ۴/۲ درصد پدران و ۱/۸ درصد مادران دارای تحصیلات دکتری بودند.

پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیت کودکان و نوجوانان (باربارانلی و همکاران، ۲۰۰۳):

پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیت کودکان (BFQ-C)^۱، یک مقیاس خود گزارش‌دهی برای ارزیابی پنج عامل بزرگ شخصیت می‌باشد که برای کودکان ۸ سال و بالاتر دارای کاربرد می‌باشد و دارای ۶۵ آیتم می‌باشد که باربارانلی و همکاران در سال ۲۰۰۳ آن را در ایتالیا تدوین کردند (علی‌اکبری و همکاران، ۱۳۹۲). پرسشنامه پنج عامل بزرگ برای سنجش عوامل پنج گانه شخصیت (وظیفه‌شناسی^۲، عقلانی/گشودگی^۳، برون‌گرایی^۴، ثبات هیجانی^۵ و سازش‌یافتگی^۶) در کودکان و نوجوانان طراحی شده است که برای هر عامل تعداد ۱۳ آیتم وجود دارد. نمره‌گذاری این پرسشنامه در قالب مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای (۱=خیلی کم، ۵=خیلی زیاد) انجام می‌شود. بنابراین حداقل و حداکثر نمره هر عامل ۱۳ الی ۶۵ است (باربارانلی و همکاران، ۲۰۰۳). اعتبار و روایی این مقیاس به طور وسیعی در پژوهش‌های مختلف بررسی و تأیید شده است، باربارانلی و همکاران (۲۰۰۳) ضریب همسانی درونی ۰/۹۳ و اعتبار بازآزمایی ۰/۸۸ برای آن ذکر کردند. در پژوهش‌های خارجی حمایت خوبی از روایی و پایایی این آزمون به عمل آمده است. در پژوهش موریس و همکاران (۲۰۰۵) که در نمونه نوجوانان هلند انجام شد، مشخص شد که پرسشنامه پنج عامل بزرگ کودکان و نوجوانان روایی همزمان بالایی با پرسشنامه شخصیت آیزنک^۷ (JEPQ) داشت. همسانی درونی (آلفای کرونباخ) زیرمقیاس‌های BFQ-C بین ۰/۷۱ الی ۰/۸۳ بودند. در ایران نیز در پژوهشی بر روی نمونه‌ای از دانش‌آموزان مقطع متوسطه، نتایج نشان داد که ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه برای بی‌ثباتی هیجانی ۰/۷۴، با وجدان بودن ۰/۷۸، برون‌گرایی ۰/۶۵، توافق‌پذیری ۰/۷۲،

1. Big Five Questionnaire For Children

2. Conscientiousness

3. Intellect / Openness

4. Energy/ Extraversion

5. Emotional instability

6. Agreeableness

7. Eysenck Personality Questionnaire

هوش / گشودگی ۰/۷۲ می‌باشد که نشانگر پایایی بالای این آزمون است (یوسفی و ملأ عزیزاده، ۱۳۹۲). هم‌چنین در پژوهش دیگری که توسط علی‌اکبری و همکاران (۱۳۹۲) انجام شد نتایج نشان داد که ضریب پایایی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۲۵ و برای خرده‌مقیاس‌ها در دامنه از ۰/۹۲ تا ۰/۹۶ می‌باشد. تحلیل عوامل به روش حداکثر درست نمایی نشان داد که مقدار ویژه تنها پنج عامل قابل توجه می‌باشند که به طور کلی ۶۰/۴۷ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کنند. در پژوهش حاضر نیز برای بررسی پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شده که نتایج ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۹ به دست آمده است.

فرم کوتاه پرسشنامه فراشناخت (MCQ-30)^۱: این پرسشنامه دارای ۳۰ گزینه و ۵ خرده‌مقیاس است و گزینه‌های آن از طریق مقیاس ۴ درجه‌ای لیکرت محاسبه می‌شوند (ولز، ۱۹۹۷). فرم کوتاه پرسشنامه با ویژگی‌های روان‌سنجی مشابه فرم اولیه، توسط ولز، کارترایت و هاتون (۲۰۰۳) ساخته شده است. این پرسشنامه ابعاد فراشناختی را در ۵ خرده مقیاس که عبارتند از: باورهای مثبت در مورد نگرانی، باورهای منفی در مورد نگرانی، اطمینان شناختی، باورهای منفی در مورد افکاری مانند تنبیه، خرافات و ...، و خودآگاهی شناختی را بررسی می‌کند (ولز، ۱۳۹۰). تحلیل عاملی نشان می‌دهد که فرم کوتاه پرسشنامه ساختار عاملی فرم بلند را حفظ کرده است. ضریب آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس‌های آن از ۰/۷۲ تا ۰/۹۳ گسترده است. در رابطه با روایی سازه، همبستگی مثبتی بین خرده‌مقیاس پرسشنامه و مقیاس‌های مرتبط از لحاظ نظری مشاهده شده و ساختار عاملی آن مجدداً تأیید شده است. هم‌چنین خرده‌مقیاس‌های پرسشنامه به درمان فراشناختی پاسخگو و حساس است (ولز، ۱۳۹۰). ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس در نمونه ایرانی نیز توسط شیرین‌زاده دستگیری (۱۳۸۷) مورد بررسی قرار گرفته است. در تحقیق شیرین‌زاده دستگیری، ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس در نمونه ایرانی ۰/۹۱ و برای خرده‌مقیاس‌های آن در

^۱. Meta-cognitive questionnaire

دامنه ۵۹٪ تا ۸۳٪ گزارش شده است. تحلیل عاملی به روش تحلیل مولفه‌های اصلی با چرخش پنج عامل واریماکس برای مهارناپذیری و خطر، باورهای مثبت درباره نگرانی، وقوف شناختی، اطمینان به حافظه و نیاز به مهار افکار را استخراج نمود. علاوه بر این، برای این پرسشنامه سه نوع روایی دیگر (همزمان، همبستگی خرده‌مقیاس‌ها با کل مقیاس و یکدیگر و روایی افتراقی) و سه نوع اعتبار (باز آزمایی، همسانی درونی و تنصیفی) گزارش شد، نتایج حکایت از این داشت که مقیاس در جامعه ایرانی خصوصیات روان‌سنجی مطلوبی دارد و از آن می‌توان در تحقیقات روانشناسی و روان‌پزشکی استفاده کرد (شیرین زاده دستگیری، ۱۳۸۷).

یافته‌ها

جدول ۱ یافته‌های توصیفی باورهای فراشناختی و ویژگی‌های شخصیت

خطای استاندارد میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	شاخص آماری
				متغیرها
۰/۲۶	۴/۵۳	۱۰/۳۱	۳۰۰	باورهای نگرانی مثبت
۰/۲۰	۳/۵۴	۱۳/۳۸	۳۰۰	باورهای نگرانی منفی
۰/۱۷	۳/۰۱	۱۱/۰۰	۳۰۰	اطمینان شناختی
۰/۲۰	۳/۵۲	۱۰/۸۲	۳۰۰	باورهای منفی در مورد افکار
۰/۱۷	۳/۰۳	۸/۵۹	۳۰۰	خودآگاهی شناختی
۰/۸۴	۱۴/۵۸	۸۱/۰۸	۳۰۰	باورهای فراشناختی کلی
۰/۷۳	۲/۶۴	۴۰/۵۸	۳۰۰	سازش
۰/۲۱	۳/۷۰	۴۲/۱	۳۰۰	روان رنجوری
۰/۵۳	۹/۲۱	۴۵/۱۱	۳۰۰	برون‌گرایی
۰/۴۴	۷/۸۴	۴۴/۷۴	۳۰۰	با وجدان بودن
۰/۴۵	۷/۷۸	۴۲/۳۲	۳۰۰	گشودگی
۱/۴۵	۲۵/۲۳	۲۱۴/۹۰	۳۰۰	ویژگی‌های شخصیتی (کل)

جدول ۱ نشان دهنده میانگین نمرات باورهای فراشناختی و ویژگی‌های شخصیت در دختران و پسران می‌باشد. در متغیر باورهای فراشناختی (باورهای نگرانی منفی) بیشترین میانگین را دارد و در مورد ویژگی‌های شخصیتی نیز برون‌گرایی دارای بیشترین میانگین نمره است.

جدول ۲. رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و باورهای فراشناختی در نوجوانان دختر و پسر

متغیر	گروه‌ها	باورهای فراشناختی			
		باورهای مثبت	باورهای منفی	اطمینان شناختی	باورهای منفی در مورد افکار خود آگاهی شناختی
توافق پذیری	Zr دختران	۰/۲۵	۰/۴۹	۰/۱۷	۰/۲۷
	Zr پسران	۰/۹۷	۰/۵۰	۰/۱۰	۰/۲۵
روان	Z دختران	-۰/۰۹	-۴/۴۵°	۰/۶۳	۰/۱۱
	Zr دختران	-۰/۰۵	-۰/۰۳	-۰/۰۷	-۰/۲۸
رنجورخویی	Zr پسران	-۰/۰۶	۰/۱۰	۰/۱۴	-۰/۱۲
	Z	۰/۰۹	۰/۶۳	-۳/۶۳°	۰/۳۰
ویژگی‌های شخصیتی	Zr دختران	۰/۵۳	۰/۱۴	۰/۰۷	۰/۱۷
	Zr پسران	۰/۳۱	۰/۲۱	۰/۳۳	۰/۳۸
وظیفه شناسی	Z	۲°	-۰/۶۳	۲/۳۶°	۱/۹۰
	Zr دختران	۰/۱۷	۰/۱۲	۰/۱۹	۰/۲۱
گشودگی به تجربه	Zr پسران	۰/۱۴	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۸
	Z	۰/۲۲	۰	۰/۶۳	۰/۳۲
گشودگی به تجربه	Zr دختران	۰/۲۹	۰/۱۱	-۰/۰۸	۰/۱۲
	Zr پسران	۰/۱۵	۰/۱۲	-۰/۰۶	۰/۱۱
	Z	۱/۲۷	۱/۸۰°	۲/۱۸°	-۰/۰۹

$$1/96, Z < -1/96Z >$$

$$H_0: P_1 = P_2, H_A: P_1 \neq P_2$$

همان‌طور که در نتایج جدول ۴-۱۱ مشاهده می‌شود، چون Z بدست آمده از رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی (ابعاد توافق‌پذیری، روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی و گشودگی به تجربه) و باورهای فراشناختی در منطقه بحرانی قرار دارند، می‌توان با اطمینان ۹۵ درصد گفت، رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و باورهای فراشناختی در دختران و پسران متفاوت است.

نتیجه‌گیری

نتایج تحلیل ضریب همبستگی در نشان داد که در ویژگی شخصیتی توافق‌پذیری با زیرمقیاس باورهای و نگرانی منفی بین نوجوانان دختر و پسر رابطه معکوس معناداری در سطح ($p < 0.05$) وجود دارد که با پژوهش زی و همکاران (۲۰۱۳) همسو بود که نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد، دانش‌آموزانی که سطح بالاتری از توافق‌جویی و سطح پایین‌تری از روان‌رنجورخویی را گزارش کرده بودند، روابط صمیمانه‌تر و کمتر وابسته و متعارضی را با دیگران داشتند و هم‌چنین وجدانی بودن و توافق‌جویی دانش‌آموزان پیش‌بینی‌کننده صمیمیت و عدم تعارض در ارتباط با دیگران می‌باشد. این افراد با نگرانی‌های کمتری و مشکلات روانشناختی کمتری را دارا هستند. هم‌چنین با پژوهش تنگتنگ و نای (۲۰۱۳) که نشان دادند، توافق‌جویی پیش‌بینی‌کننده منفی روابط با جنس مخالف و دوستی نزدیک است، همسو می‌باشد. برای چرایی این رابطه باید گفته شود افرادی که دارای شخصیتی توافق‌پذیر هستند، در روابط بین فردی بیشترین سازگاری را دارند و کمتر خودشیفتگی در برخورد با مسائل از خود نشان می‌دهند. این افراد مسئولیت کارها و امور خود را چه مثبت و چه منفی به طور کامل پذیرفته و انکار نمی‌کنند، هم‌چنین در روابط نیز بیشتر دوست دارند که بر روابط خانوادگی پایدار و صمیمی پایبند باشند، تا بر روابط با جنس مخالف که از ثبات و پایدار کمتری در فرهنگ ایرانی برخوردار است (حق‌شناس، ۱۳۸۹). از طرف دیگر افرادی که دارای ویژگی شخصیتی توافق‌پذیر هستند، در روابط بین فردی

بیشتر سعی در مصامحت با افراد دارند و هم‌چنین سعی دارند که در روابط به جای اینکه شخصیت رهبری‌کننده را بر عهده بگیرند، بیشتر فردی پیرو باشند. شاید این عوامل باعث شده است که در روابط با دوستان و روابط خانوادگی بتوانند روابط بین فردی خود خوبی داشته باشند و افکار و رفتارهای حاکی از استرس و منفی از خود بروز ندهند.

در بعد روان‌رنجوری بین ویژگی شخصیت روان‌رنجور و زیرمقیاس اطمینان‌شناختی رابطه منفی و معناداری وجود داشت. نتیجه‌ای که به صورت مستقیم به نتیجه حاضر رسیده باشد یافت نشد، ولی در تبیین یافته‌های پژوهش می‌توان گفت که افرادی که دارای ویژگی شخصیت روان‌رنجوری هستند، بیشتر دارای روابط خانوادگی از هم پاشیده هستند و بیشتر اعضای خانواده این نوجوانان در معرض خطر اعتیاد یا طلاق و یا در معرض سایر خطرات روانی هستند (شولتز و شولتز، ۱۳۹۲). از طرف دیگر افرادی که در زیرمقیاس روان‌رنجوری، نمره بالایی می‌گیرند معمولاً مضطرب، بیمناک و مستعد نگرانی هستند و معمولاً احساس غم، تنهایی و طرد می‌کنند، این افراد احتمالاً دارای افکاری غیر منطقی می‌باشند و قدرت کمتری در کنترل تکانه دارند. هم‌چنین این افراد درجه انطباق‌پذیری ضعیف‌تری با دیگران و شرایط فشار روانی نشان می‌دهند (اولادی، نویدیان، فارسانی، ۱۳۹۲). از سویی، این افراد تمایل به یک رابطه ثابت و صمیمانه ندارند و بیشتر در یک حالت عدم تعادل قرار دارند و این عامل نیز می‌تواند باعث شود که این افراد از اطمینان‌شناختی خوبی برخوردار نباشند.

هم‌چنین در بعد ویژگی شخصیت و وظیفه‌شناسی در هیچ کدام از زیرمقیاس‌های باورهای فراشناختی رابطه معنادار آماری بین دختران و پسران مشاهده نشد. در بعد برون‌گرایی با زیرمقیاس‌های باورهای مثبت در سطح ($p < 0/05$) رابطه مستقیم و مثبتی وجود داشت. هم‌چنین در زیرمقیاس‌های اطمینان‌شناختی در سطح ($p < 0/05$) رابطه آماری مستقیم و معناداری وجود داشت که همسو با یافته‌های (صدقت و همکاران، ۱۳۹۲) می‌باشد. در پژوهشی نشان داده شده است که دختران برون‌گرا، در بیان احساسات درونی و مکنونات

قلبی خود و به تبع آن در میزان محبت و صمیمیت خود توانمندتر از پسران برون‌گرا هستند (لدھاری^۱، پونس^۲، بریسول و زین^۳، ۲۰۱۰) که این باعث محبوبیت آن‌ها و گسترش روابط آن‌ها با جنس مخالف و هم‌چنین با خانواده می‌شود. در تبیین علت تفاوت زیرمقیاس‌های باورهای فراشناختی در سبک شخصیت برون‌گرا باید گفت که سبک شخصیتی برون‌گرا، سبک شخصیتی است که در اکثر پژوهش‌ها نشان داده شده که پسران در مقایسه با دختران در ویژگی‌های برون‌گرایی، پذیرش و وظیفه‌شناسی نمره‌های بالاتری گزارش کردند (شکری، دانشورپور و عسکری، ۱۳۸۷). از سوی دیگر نتایج بررسی‌های لی و بگلی و همکاران (۲۰۰۵) نشان داده‌اند که افراد برون‌گرا بیشتر به استفاده از اشکال سازگارانه مقابله مانند جستجوی حمایت اجتماعی، تفکر مثبت یا تفسیر دوباره، جانشین‌سازی و کنترل تمایل نشان می‌دهند که این باعث می‌شود که افراد برون‌گرا در دوستی‌های نزدیک و روابط خانوادگی صمیمیت بیشتر با سایر اعضا داشته باشند.

در نهایت بین ویژگی شخصیتی گشودگی به تجربه و زیرمقیاس‌های (باورهای نگرانی منفی) رابطه معکوس و معناداری بین دختران و پسران نوجوان وجود داشت. برای تبیین این یافته می‌توان گفت که گشودگی نسبت به تجربه با ویژگی‌هایی مانند تخیل قوی، عقلانیت و کنجکاوی و تمایل به افکار نو و جدید مشخص می‌شود (مک کری و کاستا، ۱۹۸۷). افرادی با این ویژگی‌ها در نگاه سایرین شاید دوست‌داشتنی‌تر به نظر برسند و این باعث شود، هنگامی که این افراد در جمعی صحبت می‌کنند یا وارد دوستی با جنس مخالف می‌شوند، سایرین، آن‌ها را با تأیید بیشتر بپذیرند و باعث یک رابطه مستقیم بین این ویژگی با باورهای فراشناخت گردد.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان گفت این پژوهش فقط بر روی گروه سنی خاص انجام گردیده است. همچنین دوره نوجوانی خود شامل مراحل مختلفی است، ولی

1. Ladhari

2. ponce

3. Bresolles & zins

در پژوهش حاضر بررسی و تفکیک سنی بر اساس مراحل نوجوانی انجام نگردیده است. و پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده پژوهش در گروه‌های سنی دیگر و مقاطع تحصیلی مختلف می‌تواند دانش ما را از رابطه میان این متغیرها افزایش دهد و ارزیابی چند وجهی (مصاحبه، مشاهده و...) برای بالا بردن پایایی و روایی نتایج در پژوهش‌های آینده. و در نهایت اجرای پژوهش حاضر با تفکیک مراحل مختلف نوجوانی در دانش‌آموزان دختر و پسر انجام گردد.



منابع

- ۱) تقی‌لو، صدیقه، شکری، امید، طولابی، سعید، و تقوایی‌نیا، علی (۱۳۹۰). «دشواری‌های بین فردی در نوجوانان: تفاوت‌های جنسی و سنی». **روانشناسی تحولی**، ۷(۲۸)، ۵۵-۶۹.
- ۲) حق‌شناس، ح (۱۳۹۰). **روانشناسی شخصیت**. شیراز: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی شیراز.
- ۳) شکری، ا، دانشورپور، ز، عسکری، ا (۱۳۸۷). «تفاوت‌های جنسیتی در عملکرد تحصیلی: نقش صفات شخصیت». **مجله علوم رفتاری**، ۲(۲)، ۱۴۲-۱۲۷.
- ۴) شولتز، د، شولتز، س آ (۱۳۹۲). **نظریه‌های شخصیت**. ترجمه یحیی سیدمحمدی. انتشارات: ویرایش.
- ۵) شیرین‌زاده دستگیری، صمد، گودرزی، محمدعلی، رحیمی، چنگیز، نظیری، قاسم (۱۳۸۷). «بررسی ساختار عاملی، روایی و اعتبار پرسشنامه فراشناخت ۳۰». **مجله روانشناسی**، ۱۲(۴): ۴۴۵-۴۶۱.
- ۶) صالحی، صدیقه، موسوی، علی محمد، ساریچلو، ابراهیم، قافله باشی، حسین (۱۳۹۵). «بررسی باورهای فراشناختی و ویژگی‌های شخصیتی بیماران وسواسی». **مجله دانشگاه علوم پزشکی سبزوار**، ۲۳(۱): ۲۱-۳۰.
- ۷) صداقت، م، بهرامی، ه، کیامنش، عل، و لک، ز (۱۳۹۲). «مقایسه ویژگی‌های شخصیتی در دانش‌آموزان دختر محبوب و منزوی دبیرستان». **فصلنامه روانشناسی بالینی و شخصیت**. ۲۰(۹)، ۴۴-۵۵.
- ۸) علی‌اکبری، محمد، شریفی، علی، و صحراگرد، محمد (۱۳۹۲). «ویژگی‌های روانسنجی پرسشنامه پنج‌عامل بزرگ شخصیت کودکان (BFQ-C) در یک نمونه ایرانی». **مجله دستاوردهای روانشناختی**، ۴(۱)، ۷۹-۹۰.
- ۹) مقتدائی، کمال، صالحی، مهرداد، سلامت، منصوره، محمدیان، یوخابه، هونجانی، اسماعیل (۱۳۹۲). «رابطه مؤلفه‌های فراشناخت با اضطراب و افسردگی در مادران دارای کودکان پسر مبتلا به اختلال فزون‌کنشی-نارسایی توجه و مقایسه آن‌ها با مادران کودکان عادی». **مجله تحقیقات علوم رفتاری**، ۱۱(۱): ۱۸-۲۹.

- 10) Baltes, P. B., & Schaie, K. W. (Eds.). (2013). Life-span developmental psychology: Personality and socialization. Elsevier Press.
- 11) Barbaranelli, C., Caprara, G. V., Rabasca, A., & Pastorelli, C. (2003). A questionnaire for measuring the Big Five in late childhood. *Personality and Individual Differences*, 34(4), 645-664.
- 12) Barbaranelli, C., Fida, R., Paciello, M., Di Giunta, L., & Caprara, G. V. (2008). Assessing personality in early adolescence through self-report and other-ratings a multitrait-multimethod analysis of the BFQ-C. *Personality and Individual Differences*, 44(4), 876-886.
- 13) Carver, C. S., & Scheier, M. F. (1996). *perspective on personality*. Boston: Allyn & Bacon.
- 14) Clark, D. B., & Kirisci, L. (1996). Posttraumatic stress disorder, depression, alcohol use and quality of life in adolescents. *Anxiety*, 2, 226-233.
- 15) Delgado, B., Hugon, M., Ingles, C., Hidalgo, M., Garcia-Fernandez, J., & Martinez-Monteaudo, M. (2015). Reliability and validity evidence of scores on the French version of the Questionnaire about Interpersonal Difficulties for Adolescents. *Psychological Belgic*, 55(3), 122-129.
- 16) Garcia-Lopez, L. J., Ingles, C. J., & Garcia-Fernandez, J. M. (2008). Exploring the relevance of gender and age differences to the assessment of social fears in adolescence. *Social Behavior and Personality*, 36(3), 385-390.
- 17) Gutierrez, J. L. G., Jimenez, B. M., Hernandez, E. G., & Puente, C. P. (2005). Personality and subjective wellbeing: Big five correlates and demographic variables. *Personality and Individual Differences*, 38, 1561-1569.
- 18) Hastings, S. E., & O' Neill, T. A. (2009). Predicting workplace deviance broad versus narrow personality variables. *Journal of Personality and Individual Differences*. 47(4), 289-293.
- 19) Holmila, M. (2005). Helping Adolescents At Risk. Prevention of Multiple Problem Behaviors. *Addiction*, 100(3), 417-417.
- 20) Huey, S. J., & Weisz, J. R. (1997). Ego control, ego resiliency, and the five-factor model as predictors of behavioral and emotional problems in clinic-referred children and adolescent. *Journal abnormal psychology*, 106(3), 404-415.
- 21) Kagitcibasi, C. (2013). *Family, self, and human development across cultures: Theory and applications*. Routledge Press.

- 22) Kokkinos, C. M., & Markos, A. (2015). The Big Five Questionnaire for Children (BFQ-C). *European Journal of Psychological Assessment*, 35(3), 98-102.
- 23) Ladhari, r., ponce, f., Bresolles, g., & zins, M. (2010). culture and personal values; how they influence perceived service quality. *Journal of business*, 12(4), 7-15.
- 24) Lee-Baggley, D., Preece, M., & Delgonis, A. (2005). Coping with interpersonal stress: Role of big five traits. *Journal of Personality*, 73, 1141-1146.
- 25) Spada, M. M., Zandvoort, M., Wells, A. (2007). Meta cognitions in problem drinkers. *Cognitive therapy Research*, 31: 709-716.
- 26) Vaughn, S., & Lancelotta, G. X. (1990). Teaching interpersonal social skills to poorly accepted students: Peer pairing versus non peer pairing. *Journal of School Psychology*, 28, 181-188.
- 27) Wells, A. (2009). *Metacognitive therapy for anxiety and depression*. New York: Guilford Press.
- 28) Wells, A., & Cartwright-Hatton, S. (2003). A short form of the metacognitions questionnaire: properties of the MCQ-30. *Behavior research and therapy*, 42(4): 385-396.
- 29) Wels, M., Parke, R. D., Widaman, K., & O'Neil, H. (2001). Linkages between children's social and academic competence: A longitudinal study. *Journal of School Psychology*, 39, 463-483.
- 30) Zhou, X., Ingles, C. J., & Li, Y. (2006). Psychometric properties of the Chinese translation of the Questionnaire about Interpersonal Difficulties for Adolescents (QIDA). *Proceeding of the Annual meeting of American Psychological association*. New Orleans, U.S.